



فاطمه کلانتری

خبرنگار گروه دیپلماسی

با آغاز تحولات در فلسطین اشغالی از بامداد ۷ اکتبر (۱۵ مهر)، هر آنچه از روندهای دیپلماتیک تا پیش از عملیات طوفان الاقصی در جریان بود، متوقف و جای خود را به روندها، اظهارات و رایزنی‌ها پیرامون تحولات خاورمیانه و مشخصاً غزه داد. در این میان جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشور حامی مقاومت از جمله گروه‌های مقاومت فلسطینی حماس و جهاد اسلامی، در ساعات نخست عملیات طوفان الاقصی، که انگشت اتهام مشارکت در برنامه‌ریزی این عملیات را به سمت خود نشانه گرفته می‌دید، مانند سایر کشورهای مؤثر، فعالیت‌های دیپلماتیک خود را از همان ساعات نخست ساعات روز شنبه آغاز و پس از ۶ روز نیز وزیر امور خارجه را راهی سفری منطقه‌ای به عراق، سوریه، لبنان و قطر کرد تا ارزیابی دقیقی از آنچه در خاورمیانه در حال وقوع است، داشته باشد و بر مبنای آن سیاست خود را پیش ببرد.

حال اما سوال مشخص این است که اهداف اولیه در شکل‌گیری تحولات تهران چه بود و آیا اکنون و با گذشت بیش از ۷۰ روز از آغاز جنگ محقق شده یا در آستانه تحقق است؟

البته این نکته نیز قابل تأمل است که تحولات ۷ اکتبر و پس از آن، دستاوردهای ملموسی را نیز برای ایران به همراه داشت که تهران در تحقق آن نقشی ایفا نکرده است؛ دیده‌بان ژئوپلیتیک در مقاله‌ای با عنوان «ایران: ذینفع واقعی درگیری غزه» دستاوردهای تهران را اینگونه شرح می‌دهد: «در همان زمان وقوع حملات حماس، پادشاهی عربستان سعودی به یک توافق عادی سازی با اسرائیل تحت حمایت ایالات متحده نزدیک بود. چنین توافقی به احتمال زیاد شامل امکان ایجاد برنامه هسته‌ای غیرنظامی عربستان سعودی، تقویت بیشتر همکاری دفاعی واشنگتن و ریاض و امکان توافق صلح بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها تحت نفوذ عربستان می‌شد. علاوه بر این، تقریباً یک ماه قبل از حملات حماس، طرحی برای ایجاد ریدور هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) در جریان اجلاس سران گروه ۲۰ دلهی نو اعلام شد. IMEC که به عنوان یک پروژه اتصال استراتژیک منطقه‌ای در نظر گرفته می‌شود، در درجه اول شامل هند، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، اردن و اسرائیل است. با توجه به مقیاس کلان پروژه و تأثیر آن بر جریان تجاری بین هند و اروپا، انتظار می‌رفت که این پروژه سطح بی‌سابقه‌ای از یکپارچگی و همکاری استراتژیک را در چند جبهه بین کشورهای درگیر به برامغان آورد؛ همه مواردی که بدون شک در تضاد با برنامه‌های ایران در قبال کشورهای عربی بود. همچنین تشدید تنش‌های ژئوپلیتیک در منطقه به دلیل جنگ جاری در غزه منجر به تحریک احساسات عمومی در بسیاری از کشورهای عربی می‌شود و

در نتیجه بر دولت‌های منطقه فشار می‌آورد تا هیچ گام ملموسی در جهت عادی سازی یا همکاری اقتصادی بیشتر با اسرائیل پیش نبرند؛ که دقیقاً یکی از اهداف اصلی ایران است.»

نخستین واکنش ایران به طوفان الاقصی از سوی ناصر کنعانی مطرح شد و سخنگوی وزارت امور خارجه در پیامی با تکرار این عملیات به ملت فلسطین و تمام گروه‌ها و جریان‌های مقاومت گفت: «آنچه که امروز اتفاق افتاد در راستای استمرار پیروزی‌های جریان مقاومت ضدصهیونیستی در حوزه‌های مختلف از جمله در سوریه، لبنان و اراضی اشغالی است.» با آغاز واکنش نظامی ارتش اسرائیل به عملیات حماس اما تریک‌ها جای خود را به اعلام مواضع در قبال این تحول جدید داد تا مشخص شود تهران در کجای این معادله قرار گرفته است.

حفظ امنیت ایران و فاصله از کانون بحران

خط اصلی سیاست خارجی ایران در روز چهارم پس از حمله حماس و در سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای مشخص شد؛ رهبر انقلاب در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، در دانشگاه افسری امام علی (ع) گفتند: «حامیان رژیم و برخی افراد رژیم غاصب در دو سه روز اخیر یاه گویی‌هایی کرده‌اند که ایران را پشت این حرکات معرفی می‌کنند؛ اشتباه می‌کنند. ما از فلسطین دفاع می‌کنیم؛ پیشانی و بازوی طراحان مدبر و هوشمند جوانان فلسطین را می‌بوسیم اما این کار، باز خود فلسطینی‌هاست. آیت‌الله خامنه‌ای در دیگر سخنرانی خود در جمع بسیجیان، بار دیگر به اتهام دروغین مبنی بر تلاش ایران مبنی بر نابودی اسرائیل یا آنچه از آن با عنوان «به آب ریختن یهودیان و اسرائیلی‌ها» یاد می‌شود، پاسخ داده و موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات در فلسطین اشغالی را به صورت شفاف بیان کردند: «بعضی از این سخنگویان دنیا راجع به نظرات جمهوری اسلامی درباره منطقه که صحبت می‌کنند، به دروغ می‌گویند که ایران می‌گوید باستانی یهودی‌ها را یا صهیونیست‌ها را به دریا بریزند؛ نه، این حرف را قبل‌ها دیگران یا کسانی از عرب‌ها گفتند؛ ما هیچ وقت نگفتیم این را؛ ما کسی را به دریا نمی‌ریزیم. ما می‌گوییم نظر، نظر مردم است؛ آن دولتی که به آراء مردم فلسطین تشکیل شد، درباره مردمی که آنجا هستند از کشورهای دیگر آمده‌اند تصمیم‌گیری خواهد کرد؛ ممکن است به همه آنها بگوید در فلسطین بمانید. اختیار با آنها است؛ ما هیچ وقت در این زمینه نظری نداریم». کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی نیز در مصاحبه‌ای موضع جمهوری اسلامی را اینگونه تعریف کرد که «موضع و راه‌حل ایران برای بحران فلسطین، ایجاد یک دولت واحد است، به طوری که شامل مسلمانان، مسیحیان و یهودیانی باشد که اصالتاً در این سرزمین می‌زیست‌اند. بر این اساس باید همه‌پرسی درباره آینده فلسطین برگزار شود.»

سخنان رهبر انقلاب در روزهای بعد توسط وزیر امور خارجه پیشین و یکی از چهره‌های شاخص اصولگرایی نزدیک به بیت ایشان این چنین معنا شد: «واقعا

ورود ایران و حزب‌الله به این جنگ، منتهای آمل اسرائیل است»، محمدجواد ظریف همچنین از «تلاش بی‌وقفه طیفی برای وارد کردن ایران به جنگ، از جمله نوشتن نامه به رهبری و تحلیل‌های آن چنانی» سخن به میان آورد که شواهد نشان می‌دهد اقدامات شان به سنگ خورده است. غلامعلی حداد عادل نیز با بیان اینکه «به اشخاصی که خواهان ورود ایران به جنگ غزه هستند باید گفت شاید این، همان چیزی باشد که رژیم صهیونیستی می‌خواهد، یعنی تبدیل نبرد غزه به جنگ ایران و آمریکا»، هدف مقام رهبری را از سخنان ۱۸ مهرماه به صورت غیرمستقیم تشریح کرد.

کنترل دامنه جنگ و جلوگیری از افزایش تنش

محور بعدی سیاست تهران در قبال تحولات در فلسطین اشغالی در سخنان وزیر امور خارجه مشخص و بارها نیز از سوی حسین امیرعبداللهیان مطرح شده است که «اگر این حملات علیه غیرنظامیان زنان و کودکان ادامه پیدا کند، منطقه وارد یک جنگ و گسترش دامنه جنگ خواهد شد.» رئیس دستگاه دیپلماسی ایران در جریان نخستین سفر منطقه‌ای خود پس از آغاز جنگ در غزه نیز گفته بود: «به رژیم صهیونیستی از طریق حامیانش اعلام کردیم که اگر جنایت‌هایش در غزه متوقف نشود، فردا دیر خواهد بود. امیدواریم که تلاش‌های سیاسی مانع گسترش دایره جنگ شود در غیر این صورت هیچ کس نمی‌داند که در ساعت آتی چه اتفاقی رخ خواهد داد.»

وزیر امور خارجه در تازه‌ترین اظهارات خود در همین رابطه در حاشیه نشست «وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، اعلامیه جهانی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی» که در مقر اروپایی سازمان ملل در ژنو برگزار شد، گفت: «اگر وضعیت در فلسطین اشغالی ادامه پیدا کند، امکان وقوع یک انفجار غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل کنترل در منطقه وجود دارد؛ این چیزی است که آمریکایی‌ها تا امروز درک نکرده‌اند و چنانچه درک نکنند، پیامدهای آن دامن آمریکا را هم فویا خواهد گرفت.»

هم‌زمان با هشدار به ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به منظور توقف درگیری‌ها، تهران در روزها و هفته‌های پس از آغاز درگیری‌ها در غزه، مرز جنوبی لبنان، دریای سرخ و عراق، تلاش کرده است تا فاصله خود را با این تحولات حفظ کرده و بر این اصل تأکید کند که «ما به عنوان جمهوری اسلامی ایران هیچ گروه نیابتی در منطقه نداریم بلکه آن‌ها خود تصمیم می‌گیرند که طبق مصالح کشورشان و طبق مصالح امت عربی-اسلامی دست به اقداماتی بزنند». در همین راستا نیز نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد نیز روز ۱۵ اکتبر در بیانیه‌ای اعلام کرد که «اگر رژیم آپارتاید اسرائیل قصد حمله به ایران، منافع و اتباع آن را نداشته باشد، ایران در این درگیری مداخله

پس از ۷ اکتبر ایران

اهداف دستگاه سیاست خارجی از زمان آغاز جنگ در غزه چه بود و این اهداف چقدر محقق شده‌اند؟